



دکتر مهدی حسینی

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

مادلونگ رامی توان در میان اسلام‌شناسانی که در سده اخیر در دنیا ظهور پیدا کردند و به‌فعالیت‌های علمی و پژوهشی پرداختند، به صورت ویژه و با یک نگاه مخصوص، بررسی کرد. دلیل آن هم این است که او لا یک اسلام‌شناس درس خواننده است و خاستگاه اسلام‌شناسی او از تحصیلات و پژوهش‌های وی در این عرصه، برآمده است. درواقع خاستگاه اسلام‌شناسی او برآمده از رویکردهای سیاسی یا قانون‌های سیاسی خاص نبوده است.

افزون بر این، مادلونگ دارای تحصیلات عالی مرتبط ودقیقا منطبق با حوزه اسلام‌شناسی، تاریخ اسلام و موضوعات مختلف مرتبط باموضوعات فرهنگ وتمدن اسلامی است. اوهم در دانشگاه قاهره درس خوانده وهم در دانشگاه‌های آلمان و همه تحصیلات خود را مرتبط باحوزه کاری اش دنبال کرده است.

ارتباط با استنادانی مانند محمدکامل حسین، اسلام‌شناس و محقق برجسته مصری، اشپولر و رودولف اشتروتمان، سبب شده است مادلونگ از نظر علمی جایگاه خاصی داشته باشد. همکاری پیوسته ونزدیک مادلونگ با مؤسسه تحقیقات اسماعیلی در لندن، در پرورش شخصیت وی اثرگذار بوده است. همچنین اودر دانشگاه‌های آمریکا و اروپا به تحقیق پرداخته وتدریس هم می‌کرده است وتدریس وی در آکسفورد، نقطه عطف وی محسوب می‌شود.

به‌نظر بنده از ویژگی‌های برجسته وی، داشتن رویکرد نقادانه وتحلیلی است وازابتدا بانگاه یورش بر تمام افکار واندیشه‌ها وارد موضوع شده است. همچنین وی، از قرآن برای تبیین مباحث خود بهره تحلیلی برده است که بسیار ارزشمند است؛ البته قرآن شاید سند تاریخی بیان نکرده است، ولی مباحث زیادی در آن مطرح است که در تحلیل‌های تاریخی، می‌تواند استفاده شود و مادلونگ این کار را بااستناد به قرآن کریم انجام داده است. تحلیل نقادانه تاریخی وحدیثی بارعایت اصول اخلاقی نقد، از دیگر ویژگی‌های این اسلام‌شناس شهیر است وبه‌صورت خاص دیدگاه‌های مونتهگومری و آ... را به‌صورت جدی، نقد ودیدگاه‌های خود را بیان کرده است. مادلونگ برای تألیف کتاب جانشینی محمد^(ص)، نگاهی انتقادی به‌گلدزپهر و جان ونزبرو داشته وبه منابع صدر اسلام مانند قرآن واحادیث اعتبار بخشیده است، درحالی‌که نام‌برندگان، اعتبار منابع صدر اسلام را زیر سؤال برده‌اند تابتوانند ریشه اسلام را بزنند.

بسیاری از پژوهشگران و محققان شیعه باتوجه به اینکه مادلونگ عقاید شیعه را طرح نکرده است، به‌وی انتقاد می‌کنند ولی باید گفت اوقرار نیست این کار را بکنند، زیرا یک محقق غیرشیعه است؛ البته همین که برخی دیدگاه‌های شیعه را مطرح کرده، شایسته ستایش است.

درنگ

خاورشناسی «همدل» و «زبردست»



دکتر مهدی حسینی

عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی

ویلفرد مادلونگ -شیعه پژوه و واسلام پژوه پرآوازه- یکی از آخرین یادگارهای نسل کلاسیک خاورشناسان، پرکشید؛ نسلی که بیشتر باتکیه بر دانش‌های عمیق زبانی و رویکرد‌های فیلولوژیک (لغت‌شناسی)، بسیاری از زوایای متون کهن اسلامی را برای ما شکافتند، هرچند با همه تحلیل‌های آنان موافق نباشیم. مادلونگ کسی بود که از یک سو در سنت کلاسیک خاورشناسی جایگاه ممتازی داشت وازسوی دیگر، پژوهش‌هایش درباره تشیع بسیار همدلانه بود.

در میان پژوهش‌های معاصر غربی درباره عنصر اصلی هویت تشیع -یعنی حقانیت علی^(ع) برای رهبری جامعه مسلمانان- پس از مرگ پیامبر^(ص)، اثر بزرگ ویلفرد مادلونگ به نام «جانشینی محمد^(ص)»، سایر آثار اقمهور خود کرده است. پیش از چاپ این اثر، تاریخ‌پژوهان دانشگاهی از موضوعاتی همچون انتخاب علی^(ع) توسط پیامبر^(ص) یا حتی اینکه علی^(ع) خود را انتخاب‌شده می‌دانستند، دور افتاده بودند و پاسخ به برخی پرسش‌ها نه فقط غیرواقعی، بلکه نوعی پوزیتیویسم خشن محسوب می‌شد.

درحالی‌که بیشتر خاورپژوهان در بررسی‌های خود درباره واقعه غدیر، به‌طور عام به‌منابع اهل سنت مراجعه می‌کردند واز برداشته‌های ایشان گواه می‌گرفتند وشیعه رافرقه‌ای جدای از جریان کلی اسلامی مطرح می‌کردند، مادلونگ درمیان آنان یک استثنا بود. اثر او، «جانشینی محمد^(ص)»، ریشه در تلاش‌های پژوهشمندانه وی در همه متون کهن ومعاصر وازجمله برخی آثار اندیشه‌وران شیعی دارد. درونمایه گران‌بار این کتاب ودیدگاه نوینی که نویسنده آن را بازنتابانده است، همه پژوهشگران را به این مهم سوق می‌دهد که با بازنگری در متون تاریخی، می‌توان رخداد‌های آن عصر پرحادثه را تحلیل کرد.

با این حال، بعید به‌نظر می‌رسد درنسل جدید شیعه‌پژوهان دانشگاهی، بتوان کسی را به‌عنوان جایگزین اوبازجست؛ زیرا به‌طور کلی سنت کلاسیک خاورشناسی با اتکا بر دین‌شناسی فیلولوژیک، درحال افول است. نسل بعدی جوان تر خاورپژوهان یا حتی کسانی که داعیه‌باگردی اورا دارند واز صدفه سری وی ارتزاق آکادمیک می‌کنند، در حد و اندازه‌های اونبستند وهیچ «ربط ارزشی» بادغدغه‌های علمی مادلونگ وشویه‌های مطالعاتی اوندانند. این روزها دیگر -همان‌گونه که‌فان‌اس در مقدمه کتاب سترگ الهیات وجامعه می‌نالد- جوانان غربی که خود را درگیر مطالعه ابژه‌های اسلامی می‌کنند، کمتر توان و دغدغه‌های علمی سنت کلاسیک خاورشناسی را دارند و سر خود را بانسخه‌های خطی -عمدتا قرون میانه‌ای- و مطالعه جزئی نگرانه متون اسلامی با رویکرد‌های پوزیتیویستی وتحلیلی گرم کرده‌اند. این همچنان بعید می‌دانم، اما امیدوارم کسانی هرچند اندک برای تداوم آن سنت کلاسیک بکوشند؛ زیرا اگر سنت خاورشناسی برای ما گفتنی‌هایی داشته باشد، از دل همان رویکرد‌های کلاسیک برمی‌آید وانچه از برخی جوانان اسلام‌پژوه اخیر غربی عرضه یاترجمه می‌شود، چنان نیست که نتوان برای آن‌ها بدیلی بر سنت پژوهش‌های اسلامی وحوزوی یافت یا حتی گاهی «زیره به‌کرمان برد» است.

پرونده‌ای برای بررسی اندیشه‌های ویلفرد مادلونگ، شیعه پژوه برجسته آلمانی که در ۹۳ سالگی درگذشت

وداع باشیعه‌شناس جریان ساز

گروه اندیشه

جریان اسلام‌شناسی در غرب، تاریخچه‌ای طولانی دارد. به یقین این جریان فرازوفرودهای بسیاری را گذرانده است. نگاه نخست مستشرقان به اسلام، نگاهی همراه بارد و نقد بوده است وجریان نخستین مستشرقان به‌دنبال نقد بی‌چون وچرای دین اسلام بود. اما باگذشت زمان وتحول در این جریان، برخی مستشرقان به‌نگاهی همدلانه‌تر بامنابع اسلامی رسیدند. شاید بتوان یکی از مستشرقان مهم وتأثیرگذار دوره معاصر را ویلفرد مادلونگ آلمانی دانست. دامنه مطالعات اودر زمینه اندیشه اسلامی، بسیار گسترده بود و او جزو نخستین افرادی بود که تحقیقات بی‌طرفانه‌ای برای شناخت تشیع انجام داد. وی در سال ۱۹۹۷ میلادی کتابی به‌نام، **The Succession to Muhammad**، نوشت که در حوزه‌شناخت تشیع ومسئله خلافت، تأثیر بسزایی بر جریان شیعه‌شناسی در دنیا گذاشت. این اثر در سال ۱۳۸۵ خورشیدی به‌نام «جانشینی محمد^(ص)، ترجمه وبه‌همت بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر شد. اما این تنها اثر شناخته‌شده شرق‌شناس آلمانی نبود. نوشته‌های اودر حوزه مطالعات زیدیه ومعترله وجریان‌شناسی فرقه‌های اسلامی منبع درخور توجهی برای پژوهشگران واسلام‌شناسان غربی است وهنوز نیز اعتبار نگاهشته‌های علمی اش در محافل آکادمیک دنیا پایرجاست. چهارشنبه گذشته خبر درگذشت این مستشرق در نودوسه‌سالگی راشاگرد او در شبکه‌های مجازی منتشر کرد. باتوجه به جایگاه ویژه وی در شیعه‌شناسی بر آن شدیم پرونده‌ای ویژه برای نقد و بررسی آرای او منتشر کنیم. در این پرونده، دکتر حسن بلخاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نقد‌های واردشده به جریان اسلام‌شناسی در غرب وجایگاه مادلونگ در این حوزه را بررسی کرده است. دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرنیستون، نیز که بیش از سی سال از نزدیک با او آشنا بوده، نکاتی درباره روش‌شناسی آثارش بیان کرده است. در پایان نیز دکتر محمدکاظم رحمتی، عضو هیئت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، بانگاهی جدید به‌اندیشه‌های اونگریسته است.

استشراق، مستشرقان وشرق‌شناسی همچنین اسلام‌شناسی وشيعه‌شناسی موضوعاتی مهم، پیچیده وفوق‌العاده حساسی است ودر حال باید بپذیریم وآن‌ها هم باید بپذیرند که خارج از میدان وقلمرو وعرصه یک امر تحقیقی، به تحقیق درباره آن مسئله می‌پردازند. قطعاً در حوزه فلسفه علم این نکته به‌شدت محل توجه وتأمّل برانگیز است که کسانی می‌توانند پرده‌های یک متن را بگشایند واسرار آن را باز کنند وبه حقیقت آن واقف شوند که بومی‌قلمرو آن متن باشند. کسانی که از خارج حوزه متن، سخن می‌گویند، مانند کسانی که از اهالی این متن وبومی این قلمرو بیدند، نمی‌توانند به‌تمام منابع وبه‌همه فضای روان‌شناسانه‌ای که در تحلیل ونقد حقایق ووقایع وجود دارد، اشراف داشته باشند.

ما در نقد و بررسی صادقانه وقانه‌و عالمانه مستشرقان در باب اسلام وایران وشيعه، به یک مسئله بنیادین رسیدیم: و آن، اینکه باوجود تلاش‌ها و کوشش‌های گاه صادقانه این محققان، نفس تحقیقات شرق‌شناسی واسلام‌شناسی در قلمرو غرب، دربردارنده دو مسئله اساسی یادو اشکال اساسی است. یکی نگاه سیاسی که در این قلمرو وجود دارد وادوارد سعید در کتاب مهم

«جانشینی محمد(ص)»؛ کتابی کم‌نظیر

دکتر حسن انصاری

عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرنیستون

ویلفرد مادلونگ در زمینه تشیع اسماعیلی، تاریخ تحولات شیعه‌امامی وزیدی بیش از پنجاه سال مطالعه وتصحیح وتحقیق داشته است واز همه مهم‌تر کتاب خلافت پیامبر^(ص) را نوشته است که مستقیم به رویکرد وی بامعارف شیعه ارتباط دارد. بنده بیش از سی سال است که با آثار اوخودش آشنا هستم ودر تصحیح متون باوی همکاری هم کرده‌ام، درعین حال درنوع مطالعات شیعه‌شناسی در غرب، ملاحظاتی وجود دارد که شاید در آثار اوهم هست. به‌صورت کلی اسلام‌شناسانی که بعد از ۱۵۰ سال بی‌توجهی به مطالعات ومنابع شیعی، وارد این عرصه شده‌اند، سهم بزرگی در توجه به شیعه ومطالعات شیعه‌شناسی به‌خصوص امامی وتاندازه‌ای زیدی در غرب دارند؛ البته شیعه اسماعیلی پیش‌تر هم به‌دالیلی محل توجه محققان بوده است ولی در یکی دو قرن اخیر بیشتر کسانی مانند مادلونگ به شیعه‌امامیه وزیدیه پرداخته‌اند.

«مادلونگ» نگاه سیاسی به مطالعات اسلام‌شناسی نداشت

من به‌خاطر علاقه‌مندی که به‌مباحث کلامی وتاریخ زیدیه داشتم، خیلی زود با آثار مادلونگ آشنا شدم. خوشبختانه بیشتر آثار وی به‌زبان فارسی ترجمه شده وترجمه‌های قابل استفاده‌ای است. مجموعه مقالات او که آستان‌قدس رضوی به‌همت جواد قاسمی منتشر کرده است، باعث شد آشنایی بیشتری با آثار وشخصیت وی پیدا کنم. بعدها اصل مقالات اورا که بیشتر به‌زبان انگلیسی بود، مطالعه کردم وبدین ترتیب باوی آشنایی بیشتری یافتم.

اوشاگرد رودولف اشتروتمان وبرتولد اشپولر از محققان تراز اول مطالعات اسلامی در آلمان، بود و رساله دکتری خود را در زمینه زیدیه گذراند. از طرف دیگر کتابخانه برلین، مجموعه بی‌ظیری از کتاب‌های خطی مربوط به زیدیه در اختیار داشت که باعث شد مادلونگ رساله دکتری خود را در سال ۱۹۵۶ درباره قاسم بن ابراهیم رسی (از فقها ومتکلمان قرن سوم در یمن) به‌عنوان یک شخصیت محوری در زیدیه بنویسد. به‌طور عام وی در زمینه تاریخ تشیع وبه‌طور خاص تاریخ زیدیه، آثار ارزشمندی دارد. در بیست سال اخیر باوجود اینکه بازنشسته شده بود، به‌کارهای پژوهشی خود ادامه می‌داد. حتی در زمینه تصحیح متون فعالیت زیادی کرد. بسیاری از منابع مورد استفاده وی تا سال‌های اخیر منتشر نشده بود. کتاب جانشینی محمد^(ص)،

شرق‌شناسی خود به تفصیل آن رابحث کرده ومعتمد است که غرب در دامن خود، شرقی را شناسانده و پرورانده است که این شرق غرب است و شرق شرق نیست. وی بحث فوق‌العاده مهمی دارد که علاقه‌مندان می‌توانند به آن کتاب مراجعه کنند. از دل این نقد و نگاه شرق‌شناسان، کم‌دی الهی دانته بیرون می‌آید که در فصل دوزخ خود، سخنان نادرستی درباره پیامبر اسلام^(ص) وحضرت امیرالمؤمنین^(ع) بیان کرده است.

وجه دومی که بر تحقیقات مستشرقان حاکم است، مسئله چهل یاناگاهی وتسلط کامل بر تمام منابع یک موضوع یا مسئله است که در قلمرو تحقیق این مستشرقان واسلام‌شناسان قرار می‌گیرد.

در این میان «مادلونگ، تلاش کرده است عالمانه ومحققانه به‌مسائل نگاه کند. البته آن چنان که دو تن از فضلاء حوزه علمیه قم در برنامه امروز بیان کرده‌اند، نگاه اونگاه برون‌مذهبی است وما نمی‌توانیم از وی انتظار داشته باشیم به عنوان یک معتقد وفادار



مستشرق صادق و جامع نگر

تاریخی وعقلی به ماجرا نگاه می‌کند، درحالی‌که حقیقت ماجرا از دیدگاه شیعه چیز دیگری بوده است. این نگرش‌ها در تحقیقات مستشرقان نیز وجود دارد. مادلونگ هم در مواردی این چنین مسائلی را دارد. البته این نقد مهم هم به کتاب جانشینی محمد^(ص) او وارد است که وقتی به بخش منابع رجوع می‌کنیم، بیشتر از منابع اهل سنت استفاده شده و در نمونه‌هایی محدود از منابع شیعه بهره برده است.

استانداردهای علمی ایجاب می‌کرد که مادلونگ در این مسئله آرای شیعه را بیشتر از اینکه دیده است، ببیند. البته این نقد را بر خودمان هم وارد بدانیم که شیعه کوشش وسیعی که دیگر فرق اسلامی در نگارش تاریخ‌نگاری کرده‌اند، به‌ویژه در باب قرون اولیه، نکرده است. از این‌رو طبیعی است کسانی که به‌فضای درون‌متنی ما اشراف ندارند، تصور کنند غیر از منابع فرق دیگر، منابع جامعی وجود ندارد. بنابراین بخشی از ماجرا بازمی‌گردد به کم‌کاری جهان تشیع در نگارش تاریخ‌های برجسته وقوی‌ای که بتواند در سطح جهان اسلام به‌عنوان وزنه علمی مطرح شود. البته در مواقعی هم اجازه نداده‌اند و در مواقعی کم‌کاری ما هم در این مسئله دخیل بوده است.

«جانشینی محمد(ص)»؛ کتابی کم‌نظیر



نگاهی بی‌طرفانه، روایتی از داستان خلافت رابه‌زبان انگلیسی عرضه می‌کند که البته در کلیت آن، روایت شیعی از خلافت را تأیید می‌کند و بر حقانیت والبنه مظلومیت بی‌مانند حضرت امیر^(ع) صحه می‌گذارد.

دوران عثمان انجامید. مهم‌ترین بخش کتاب، دوران خلافت پنج‌ساله حضرت امیر^(ع) را پوشش می‌دهد ودر آن مادلونگ مدقانه به علل واسباب سه جنگ دوران حضرت ودسیسه‌ها وعهدشکنی‌های مخالفان ایشان و رفتار اصولی وعدالت‌خواهانه ومبنتی بر وفاداری به سنت پیامبر^(ص) از سوی حضرت می‌پردازد. خواننده این کتاب به‌دقت از جزئیات حوادث تاریخی منتهی به سه جنگ جمل، صفین ونهروان وحوادث منتهی به شهادت حضرت امیر وتادوران خلافت امام مجتبی^(ع) وروی کار آمدن معاویه باخبر می‌شود وروایتی مبتنی بر منابع وبه‌دور از داوری‌های شتابزده را در آن می‌بیند. البته ممکن است با برخی نظرات نویسنده ودر نوع تحلیل اواز مسائل موافق نباشیم اما بی‌گفت‌وگو، تاکنون کتابی بدین پایه را اختیار وجامعیت در این زمینه نوشته‌نشده است. کتاب ومقاله تاکنون به‌زبان‌های اروپایی درباره موضوعات مرتبط باخلافت اولیه کم منتشر نشده است. اما متأسفانه بسیاری از آن‌ها به‌تجوی جانبدارانه است وتأثیر منابع اموی یاروایات زبیری در آن‌ها بسیار مشهود است. برای نخستین بار استاد مادلونگ براساس

«جانشینی محمد(ص)»؛ کتابی کم‌نظیر

کرده‌اند. او سعی کرد با مطالعه انتقادی تاریخ اسلام وبا توجه به مطالعه قرآن، این نظر را مطرح کند که در کل می‌توان گفت پیامبر اسلام^(ص) دل در گرو علی^(ع) به‌عنوان جانشین خود داشت.

اودر کتاب جانشینی محمد^(ص) به‌عنوان یک پژوهشگر بدون گرایش، آیات قرآن را از این نظر بررسی کرد وتاریخ انبیای مورد بحث در قرآن را نیز بررسی کرد وبه این نتیجه رسید که در قرآن همواره یکی از نزدیکان انبیا به‌عنوان جانشین آن‌ها انتخاب می‌شده است. با این حال مادلونگ پس از چاپ کتاب جانشینی محمد^(ص) که نظرات خوبی را در آن مطرح کرده بود، برخی نظرات شاذ را مطرح کرد که عجیب بود.

